

پیام کتابخانه مرکزی



فصلنامه خبری کتابخانه مرکزی دانشگاه صنعتی شریف



اطلاعات

شماره:

۱۹

تاریخ انتشار:

زمستان ۱۴۰۳

دوره انتشار:

فصلنامه

تماس با ما

PHONE

66165101

Email

library@sharif.ir

WEBSITE

Library.sharif.ir

Telegram

Sharif_library

Instagram

Sharif_uni_central_lib

به کوشش:

محمد میرزایی

فرنوش رقابی

با سپاس از:

دکتر ترانه اقلیدس

دکتر شانت باغرام

با مشارکت:

همکاران کتابخانه مرکزی،

مرکز اسناد و گنجینه

آنچه در این شماره می خوانید:

● برگگی از تاریخ شریف

● از کتابخانه با آمار

● با اهل قلم شریف

● کوتاه از کتابخانه

● از فرهنگ و ادب: معرفی کتاب

● توران میرهادی، استاد برجسته آموزش و پرورش

● همان به که نیکی بود یادگار

به مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه صنعتی شریف
کتابخانه مرکزی، مرکز اسناد و گنجینه به همراهی انجمن فارغ التحصیلان برگزار می نماید:



فراخوان آثار و کتب استادان و دانش آموختگان
دانشگاه صنعتی شریف

این برنامه در قالب یک رویداد
در سال ۱۴۰۴، با حضور
صاحبین آثار، برگزار و مجموعه
ارزشمند گردآوری شده، در
نمایشگاه دائمی کتابخانه
مرکزی نگهداری خواهد شد



دبیرخانه: تهران، خیابان آزادی
دانشگاه صنعتی شریف
ساختمان دکتر مجتهدی
(کتابخانه مرکزی)
طبقه ۴، دفتر کتابخانه

۶۶۱۶۵۱۰۱

آخرین مهلت ارسال آثار: ۱۴۰۳/۰۳/۳۱

library@sharif.ir

«برگی از تاریخ شریف»



نوع اطلاعات	سال تحصیلی ۱۳۵۰-۵۱	سال تحصیلی ۱۳۵۱-۵۲
بودجه سالیانه کل کتابخانه	۱۶/۷۶۴/۰۰۰	۱۸/۶۰۰/۰۰۰
اعتبار مصرف شده برای خرید کتاب و مجلات	۱۰/۶۴۴/۰۰۰	۱۴/۰۰۰/۰۰۰
اعتبار مصرف شده برای خرید تجهیزات دیگر کتابخانه	۲/۵۰۰/۰۰۰	۱/۰۰۰/۰۰۰
تعداد کتابهای موجود به زبان فارسی	۲۵۰۰	۴۰۰۰
تعداد کتابهای موجود به زبان خارجی	۲۷/۵۰۰	۲۴/۰۰۰
تعداد مجلات به زبان فارسی	۱۲	۱۲
تعداد مجلات به زبان خارجی	۷۵۰	۸۰۰
تعداد محل مطالعه در کتابخانه	۴۱۰	۴۸۰

سالن مطالعه آقایان
طبقه همکف کتابخانه مرکزی
(ساختمان شهید رضایی)



نوع مشاغل	سال تحصیلی ۱۳۵۱-۵۲	سال تحصیلی ۱۳۵۲-۵۳
سرویس های آموزشی، کارکنان (کتابخانه، مرکز محاسبات)	۲۵	۴۳
کارکنان فنی (آزمایشگاهی، تاسیساتی، درمانی، تربیت بدنی و غیره)	۱۰۹	۱۲۱
کارکنان اداری، مالی و حسابداری	۹۵	۱۴۲
ختمگزاران و کارگران	۸۴	۷۹
سایر کارکنان	-	-
جمع کل	۳۰۸	۳۸۵

تعداد کارکنان غیرآموزشی (اداری، فنی، خدماتی و غیره)

برگرفته از کتاب: گذری بر سوابق شریف، جلد ۶



از کتابخانه با آمار (زمستان ۱۴۰۳)

بخش اطلاع رسانی و تامین مدرک پرویز جهانگیری



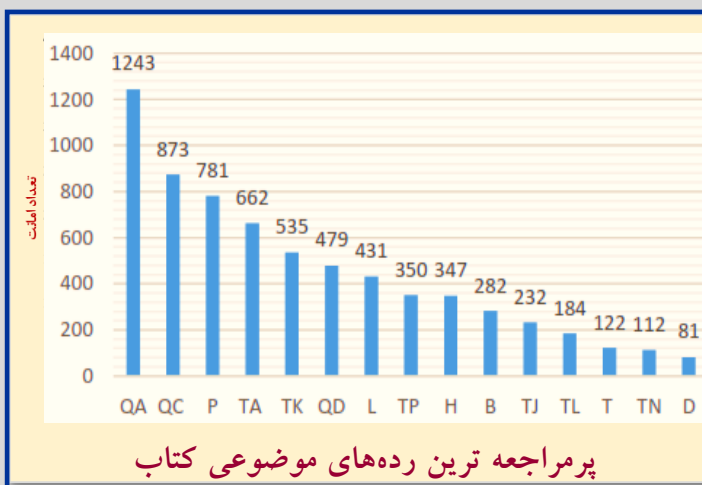
عنوان ۲۲۷

عنوان ۱۴۴

بخش امانت

صدیقه قدیمی، سیروس شاملی، محمود رحمانی، ناصر حکمتجو

نوع رویداد	تعداد
امانت کتاب	۷۱۱۴
بازگشت کتاب	۴۸۰۷
تمدید	۳۱۲۶
رزرو و نگهداری	۳۸۰



کتاب جدید (نسخه)

۱۸۲	کتاب جدید امانت یک
۲۴۷	کتاب جدید امانت دو

آمار منابع در یک نگاه

کل منابع: ۲۰۷۹۶۶

کل مقاله‌ها: ۳۴۱۷۸

کل کتابها: ۱۳۹۴۲۸

کل پایان نامه‌ها: ۲۸۱۴۹

کل موضوعات: ۲۰۱۴۳۷

کل محتوای دیجیتال: ۷۵۵۸۴

کل نسخه‌های منابع: ۲۰۳۰۵۱





واحد عضویت و
تسویه حساب

Lib_memb
@sharif.ir

۶۶۱۶۵۱۳۱



بخش عضویت و تسویه حساب

مریم ضیایی

تعداد	عضویت
۹۲	کارشناسی
۷۹	کارشناسی ارشد
۱۴	دکتری
۲	هیئت علمی
۲	کارمند
۱	طرح سربازی
۰	پسا دکتری
۱۵	پردیس تهران و بین الملل کیش
۲	فارغ التحصیلان



تعداد	تسویه حساب
۱۴۰	کارشناسی
۲۱۳	کارشناسی ارشد
۲۵	دکتری
۲	هیئت علمی
۱۷	کارمند
۰	طرح سربازی
۵۵	پردیس تهران و بین الملل کیش



پرسش از بخش
خدمات نوین

Libjournal
@sharif.ir

Lib_research
@sharif.ir

۶۶۱۶۵۱۲۳

۶۶۱۶۵۱۰۵

بخش خدمات نوین منابع پژوهشی و آموزشی

مهندسید نخجوانپور، هما اقبال آل آقا، نادر آرزومند



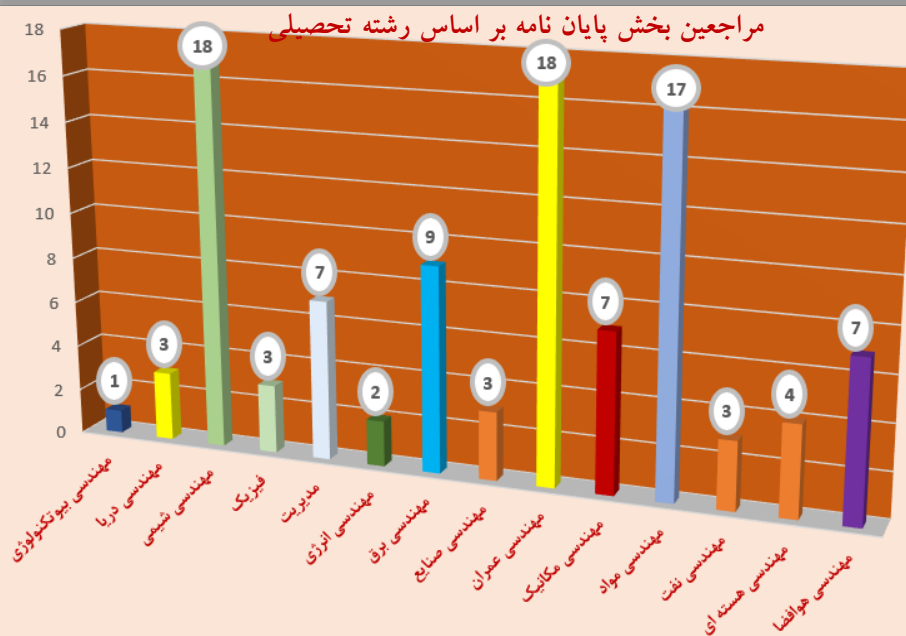
فراهم آوری کتب تخصصی جدید:

➤ ۵ عنوان کتاب فارسی در ۱۰ نسخه

➤ ۱۶۹ عنوان کتاب انگلیسی چاپی در ۱۷۲ نسخه و ۱۶۹ عنوان ایبوک

استفاده از فضای مطالعه و پژوهش انفرادی و گروهی:

۳۸۲۲ دانشجوی تحصیلات تکمیلی (شامل ۴۰۰ دانشجوی دکتری و ۳۴۲۲ دانشجوی کارشناسی ارشد)



بخش خدمات پایان نامه
پرویز جهانگیری



تحويل پایان نامه

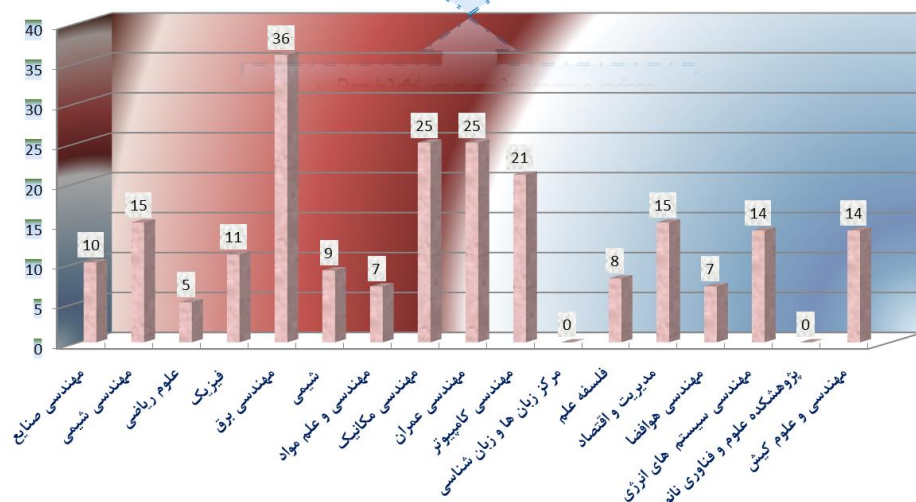
Lib_submit
@sharif.ir

۶۶۱۶۵۱۱۴



نمایه سازی پایان نامه‌ها خیرالنساء سیفی

پایان نامه های دریافت شده کتابخانه مرکزی به
تفکیک دانشکده در سه ماهه چهارم سال ۱۴۰۳



سازماندهی کتب

رضوان ارباب زاده، مرضیه حسینی، فرشته عدل



۳۰۲ عنوان کتاب جدید و ۱۲۳ نسخه کتاب کپی چایی به زبان های فارسی و انگلیسی در زمستان سال ۱۴۰۳، سازماندهی و از طریق بخش امانت در دسترس قرار گرفته است. همچنین، ۱۲۵ عنوان کتاب تخصصی دیجیتال انگلیسی به مجموعه منابع کتابخانه افزوده شده که امکان مشاهده آن از طریق نرم افزار کتابخانه (پروان) برای تمامی اعضای دانشگاه میسر است.



مرکز اسناد و گنجینه دانشگاه

مریم اسدی، معصومه طهمورثی، سید مصطفی هاشمی، مسعود بدری



- گزارش آماری مدارک وارد شده در پایگاه مرکز اسناد و گنجینه:
- ✓ ورود اطلاعات و نمایه سازی ۱۱۲ سند اعم از فناوری، مکاتبات و احکام اداری، آیین نامه ها، و بخشنامه ها و ...
- ✓ افزودن و مستندسازی بیش از ۴۰ توصیفگر در پایگاه توصیفگرهای مستند مرکز
- ✓ ورود اطلاعات و نمایه سازی ۳۵ شی فیزیکی
- ✓ الصاق بیش از ۱۰۰۰ فایل از شماره های نشریات دانشجویی دانشگاه
- ✓ پیاده سازی ۱۰ مصاحبه تاریخ شفاهی (به صورت فرابخشی) و ادامه مصاحبه تاریخ شفاهی با پیشکسوتان
- ۲۱ مورد بازدید از مرکز اسناد و گنجینه
- شرکت و ارائه غرفه مرکز اسناد و گنجینه در شب علم دانشگاه (بهمن ۱۴۰۳، همکف شیمی)





«در جست و جوی فهم کیهان»

دکتر بهرام مشحون، دکتر شانت باغرام
(استاد دانشکده فیزیک)



با اهل قلم شریف

کتاب «در جست و جوی فهم کیهان» با نشر وزین نو به چاپ رسیده است. این اثر نتیجه دانش و همت استاد فرهیخته و گرانمایه بهرام مشحون است.

فرآیند و ایده کتاب از بهار سال ۱۳۹۹ خورشیدی همراه با همه گیری کرونا شکل گرفت. پس از نزدیک به پنج سال این ایده به نتیجه رسیده است.

این کتاب برای عموم علاقمندان به علم، به خصوص فیزیک و به طور خاص علاقمندان به آسمان و کیهان نگاشته شده است. همچنین این کتاب می تواند منبع درسی دو واحدی با نامی چون «آشنایی با کیهان (آشنایی با فیزیک)» برای سال اولی های تمام رشته های دانشگاهی باشد.

در این کتاب با ده فصل روبرو خواهید شد:

یک) آغاز داستان از عالم جادو تا نیوتن

دو) نگرستن به آسمان سه) ستارگان

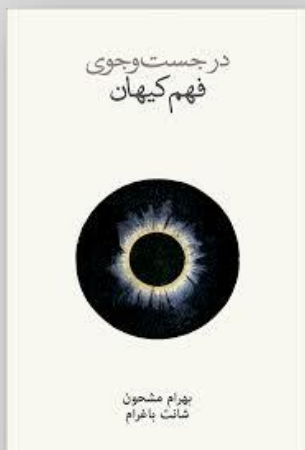
چهار) کهکشان ها پنج) مهبانگ

شش) فیزیک پس از نیوتن هفت) فضا و زمان و نسبیت

هشت) نسبیت عام، سیاهچاله ها و امواج گرانشی

نه) مدل های کیهان شناسی

ده) زندگی در کیهان: انتهای کیهان و نادانسته های کیهان شناسی



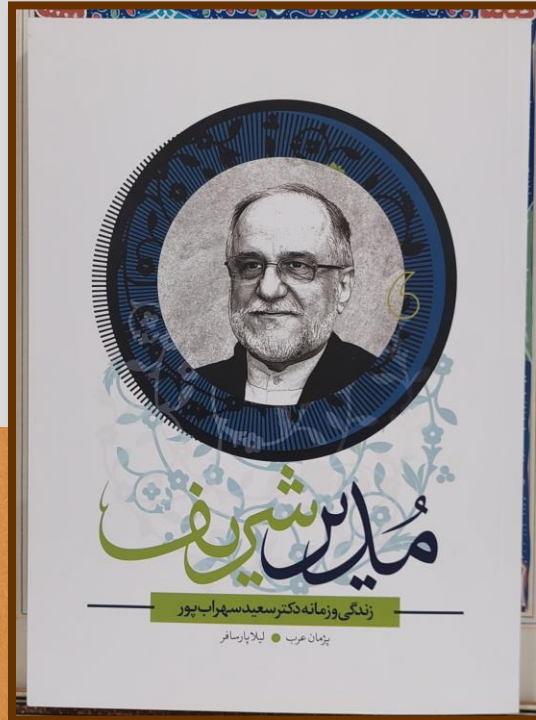
در جست و جوی فهم کیهان سفری است برای کنجکاوی در باب ناشناخته های عالم، از انبساط کیهان گرفته تا سیاهچاله ها و ماده و انرژی تاریک و حیات فرازمینی. این سفر در بستر تاریخ علم و به خصوص تاریخ فیزیک از دوران باستان تا زمان معاصر رخ می دهد. در اثنای این سفر در فضا و زمان، به بررسی ساختار و تحول ستارگان و کهکشان ها می پردازیم. سپس با کاوش درباره مدل مهبانگ، تابش زمینه کیهانی و ساختارهای بزرگ مقیاس به بررسی آغاز و ساختار و تاریخچه کیهان می رسیم. در خلال سطرهای این کتاب بنیادهای فیزیک نیوتنی، الکترومغناطیس، مکانیک کوانتومی، نسبیت خاص و عام و کیهان شناسی بازگو می شود.





«مدیر شریف: زندگی و زمانه دکتر سعید سهراب پور»

اسکن کنید و به
اینستاگرام کتابخانه
پیوندید



بسم الله الرحمن الرحيم
 راهبرانی که درستان و همکاران سخن پشیمان میکنند که خاطرات و خلاصه
 زندگی نامه خود را به رشته تحریر درآوردم. بالاخره به همت عزیزان پارک
 فناوری پردیس که این حقیر را یکی از بنیان گذاران پارک میدانند طی چندین
 جلسه خلاصه ای از زندگی نامه بنده تهیه شد. امیدوارم خدمات ناقابل
 این بنده کوچک مورد رضایت حق تعالی قرار گرفته باشد.

مدیر شریف

عنوان: مدیر شریف
 زندگی و زمانه دکتر سعید سهراب پور
 گفت و گو: پژمان عرب
 تدوین و نگارش: لیلا پارسافر
 ویراستار: حسن یعقوبی، راضیه حقیقت
 مدیر هنری و طراحی: رسول خسرویگی
 مجری طرح: خانه هنر و رسانه پیشرفت
 ناشر: پارک فناوری پردیس
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۳۰۶۲-۲-۶
 نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳
 شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
 تعداد صفحات: ۲۶۰



کوتاه از کتابخانه



پرسش از بخش
امانت

Lib_circ
@sharif.ir

۶۶۱۶۵۱۱۶

۶۶۱۶۵۱۱۸

❖ کتابخانه مرکزی، مرکز اسناد و گنجینه با همراهی انجمن فارغ التحصیلان دانشگاه صنعتی شریف، به مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه، فراخوان آثار و کتب استادان و دانش‌آموختگان دانشگاه صنعتی شریف را برگزار می‌نماید.

- موضوع فراخوان: آثار و کتب (چاپی و الکترونیکی) منتشر شده توسط استادان و دانش‌آموختگان دانشگاه صنعتی شریف در زمینه‌های علمی، ادبی، هنری، فرهنگی و اجتماعی
- این برنامه در قالب یک رویداد در سال ۱۴۰۴، با حضور صاحبین آثار، برگزار و مجموعه ارزشمند گردآوری شده در نمایشگاه دائمی کتابخانه مرکزی نگهداری خواهد شد.
- آخرین مهلت ارسال آثار: ۱۴۰۴/۰۳/۳۱
- دبیرخانه: تهران، خیابان آزادی، دانشگاه صنعتی شریف، ساختمان دکتر مجتهدی (کتابخانه مرکزی)، طبقه ۴، دفتر کتابخانه
- شماره تماس: ۶۶۱۶۵۱۰۱
- پست الکترونیک: library@sharif.ir

به مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه صنعتی شریف
کتابخانه مرکزی، مرکز اسناد و گنجینه به همراهی انجمن فارغ التحصیلان برگزار می‌نماید:



فراخوان آثار و کتب استادان و دانش‌آموختگان
دانشگاه صنعتی شریف

این برنامه در قالب یک رویداد در سال ۱۴۰۴، با حضور صاحبین آثار، برگزار و مجموعه ارزشمند گردآوری شده، در نمایشگاه دائمی کتابخانه مرکزی نگهداری خواهد شد



دبیرخانه: تهران، خیابان آزادی
دانشگاه صنعتی شریف
ساختمان دکتر مجتهدی
(کتابخانه مرکزی)
طبقه ۴، دفتر کتابخانه

۶۶۱۶۵۱۰۱

آخرین مهلت ارسال آثار: ۱۴۰۴/۰۳/۳۱

library@sharif.ir





((...))

خدمات پایان نامه

Lib_theses
@sharif.ir

۶۶۱۶۵۱۱۳

❖ ۱۳ اسفند ماه ۱۴۰۳، کتابخانه مرکزی بار دیگر با افتخار، میزبان آیین رونمایی از اثری ارزشمند بود. کتاب «در جستجوی فهم کیهان»، تألیف استادان گرانقدر، دکتر بهرام مشحون و دکتر شانت باغرام، با حضور تنی چند از دیگر اعضای هیئت علمی محترم دانشکده فیزیک دانشگاه صنعتی شریف و استقبال گسترده عموم علاقمندان از دانشگاه شریف و دیگر دانشگاه‌ها، در تالار توس معرفی شد.

این کتاب، به عنوان مبنای درس ۲ واحدی «آشنایی با کیهان»، ویژه دانشجویان سال اول فیزیک تدریس می‌شود.





((...))

❖ رویداد «شب علم» در تاریخ ۲۴ بهمن ماه ۱۴۰۳ با هدف ترویج علم و فناوری و افزایش آگاهی جامعه در خصوص دستاوردهای علمی و پژوهشی دانشگاه صنعتی شریف و تشویق جوانان به مشارکت در علم و پژوهش، برگزار شد. مخاطبان اصلی این رویداد خانواده‌ها، دانش‌آموزان و دانشجویان بودند. از برنامه‌های این رویداد برگزاری کارگاه‌های تعاملی و بازی‌محور، برپایی غرفه‌ها و نمایشگاه دستاوردهای دانشگاه صنعتی شریف بود. یکی از این غرفه‌ها، غرفه مرکز اسناد و گنجینه دانشگاه شریف بود. در این غرفه با نمایش آثار تاریخی و اسناد برجسته دانشگاه، اشیای مهندسی از قبیل خط‌کش‌های محاسباتی، و نمایش عکس‌های تاریخی، بازدیدکنندگان فرصت یافتند تا با تاریخچه و پیشینه علمی این دانشگاه به‌عنوان یکی از مراکز علمی برجسته ایران، آشنا و تجربه‌ای منحصر به فرد برای علاقمندان فراهم شود.

کتابخانه مرکزی نیز با به اشتراک گذاشتن مجموعه فرهنگنامه کودکان و نوجوانان، با حضور و توضیحات ارزشمند سرکار خانم اقلیدس، در این برنامه مشارکت نمود. این مجموعه، نخستین دائرةالمعارف عمومی نوشته شده به زبان فارسی همراه با تصویر برای کودکان و نوجوانان است که با دیدگاهی علمی و با تکیه بر فرهنگ ایران تهیه و مقاله‌های آن دقیق، مستند و با توجه به دانش پایه و زبان و بیان گروه سنی ۱۰ تا ۱۶ سال تدوین شده است.





((...))

دبیرخانه اسناد

Asnad
.sharif.ir

۶۶۱۶۵۱۲۹

❖ سه شنبه ۲۱ اسفند ماه، آخرین گردهمایی همکاران کتابخانه در سال ۱۴۰۳ برگزار گردید. در این نشست، ضمن مرور فعالیت های انجام شده در سال جاری، سرفصل فعالیت های سال ۱۴۰۴ مورد بررسی و گفتگو قرار گرفت.

آیین تقدیر از آقای سیروس شاملی، همکار محبوب، محبوب، متعهد، جدی، پرمهر، دوستدار شطرنج و آبی پوشان چمن سبز، خوش نویس و خوش گویش، از معدود حاضرین همیشه در صحنه فعالیتهای کتابخانه، بخش دیگری از این برنامه بود.

کتابدار ارزشمندی که در این روزها با دوران کاری رسمی خود در دانشگاه و کتابخانه اش، پس از سی و اندی سال، خداحافظی نمود و به افتخار بازنشستگی نائل آمد.

حضور گرم و بهره بردن از تجربیات ایشان و دیگر پیشکسوتان این مجموعه را همواره چشم در راهیم.



❖ ۲۱ رویداد برگزار شده در تالارتوس (زمستان ۱۴۰۳)



سرویس: محمد امینی

تلفن ثابت: ۶۶۱۶۵۱۰۸ و ۶۶۱۶۵۱۱۷

تلفن همراه: ۰۹۱۳۵۱۰۳۵۷۲

نماینده: ۶۶۰۰۵۸۱۷

پست الکترونیکی: Lib_Tools@Sharif.ir



«جای خالی سلوچ»



از فرهنگ و ادب

شاهکار محمود دولت آبادی، داستانِ نبودنِ سلوچ و حماسهٔ بقای مرگان!
«کجایی ای مرد؟ کجا بوده‌ای، ای مرد؟ کجایی ای سلوچ که آواز نامت درای
قافله ایست در دوردست‌های کویر بریان نمک! در کدام ابر تیره پنهان شده
بوده‌ای؛ در کدام پناه؟ رخسار در کدام شولا پوشانده بوده‌ای؛ کدام خاک تو را
بلعیده بوده است؟ چگونه آب شدی و به زمین فرو شدی؛ چگونه باد و در باد
شدی؟ میخ خیال برنکنده، چگونه راه به کوه و کمر بردی ای خانه بان؟
نامت! نامت آوای خفته ای یافته است!»

«مرگان که از سر بالین برداشت سلوچ نبود». مرگان در آن صبح کویری متوجه
می‌شود که شویش، سلوچ، رفته است و این آغاز داستان او است در میان
اجتماعی که خوب و بد، خیر و شر را همراه و همسنگ با خود در همتنیده دارد.
مرگان مانده است و سه فرزندش عباس، ابراو و هاجر. او باید این فرزندان را به
سرمنزل برساند. چگونه؟ با کار!

جای خالی سلوچ داستان تلاش مردم کویر است. رمانی در ستایش کار! هر چه
باشد! از خار جمع کردن تا چراندن شترها، تا سفید کردن خانه‌های اهالی تا حفر
قنات تا کار بر روی تراکتوری که تازه به «زمینج» رسیده است.

جای خالی سلوچ داستان شجاعت‌ها، ترس‌ها، تلاش‌ها و دلهره‌های مرگان
است. البته که در خلال سطور داستان مرگان، دولت آبادی جامعه روستایی-
عشایری ایران را در میانه سدهٔ پیش خورشیدی زیر ذره بین گذاشته است.
نویسنده مناسبات اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی آن دوران را واکاوی می‌کند.
جامعه‌ای که برای زیستن، خشک و خشن شده است. کویر و کویر ...

شخصیت‌های داستان کم نظیر به تصویر کشیده شده‌اند: علی گنو، همسر
بیمارش رقیه، کربلایی دوشنبه، سالار، میرزاحسن، پسر صنم و ...

دولت‌آبادی با زبان استوارش نثری نوشته همزمان شاعرانه و حماسی.
ترکیب‌های او این متن را برافراشته است. رمانی از مهمترین‌های سده پیش
خورشیدی!





((...))

بخش اطلاع رسانی
و
تأمین مدرک

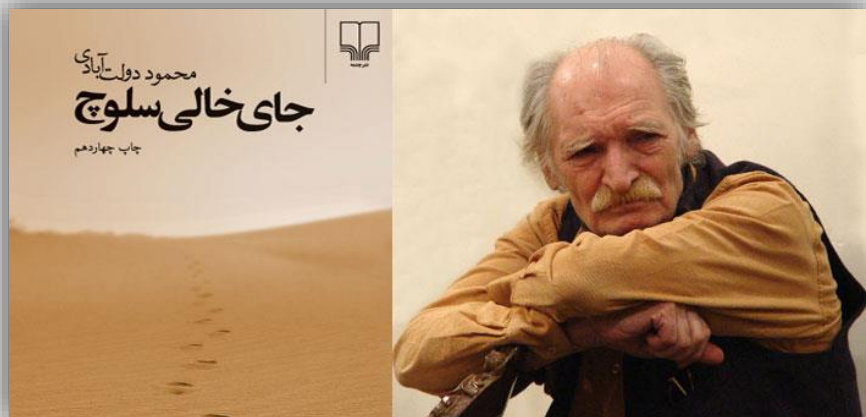
Libinfo
@sharif.ir

۶۶۱۶۵۱۲۲

به ظن قهرمان داستان مرگان است. بس انسانی است حضور او در بی حضوری سلوچ! به همه یاری می‌رساند، در عین حال آبرومند است و گاه گاه به خشم می‌آید. گاه اشتباه می‌کند، لغزش‌ها و ناراستی‌هایی پیش می‌آید؛ ولی قهرمان داستان زن است، زن! در عدم حضور سلوچ!

صحنه‌های کشاکش عباس و شتر سالار، عروسی اجباری هاجر، کشمکش کربلایی دوشنبه و سالار، دست اندازی سالار به مرگان و آن یک کیسه آرد تکیه داده شده به دیوار آن چنان نوشته شده‌اند که خواننده را به زندگی در آن وا می‌دارد.

پی نوشت: این اثر درخشان را آرمان سلطان زاده و گروهی از صدایپیشگان با آوانامه، رادیو گوشه، فیدیبو و با همکاری نشر چشمه به صوت در آورده‌اند که بس شنیدنی است.



اطلاعات کتابشناختی:

نام کتاب: جای خالی سلوچ نویسنده: محمود دولت آبادی

انتشارات: چشمه



«دو رمان از سارا سالار»



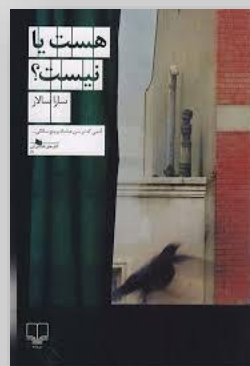
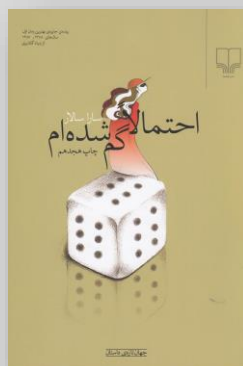
ساعات کار کتابخانه



رمان «احتمالا گم شده‌ام» برنده جایزه بهترین رمان اول بنیاد گلشیری در سال های «۱۳۸۷-۱۳۸۸» است. سارا سالار به زندگی زن سی و پنج ساله‌ای می پردازد که در شروع میان‌سالی است. زنی که از همسرش جدا شده و پسر کوچکش سامیار را بزرگ می‌کند. در خلال داستان با یادآوری روزهای گذشته و دوستی نزدیکش با «گندم» که از سرنوشتش بی‌خبریم به روزهای گذشته و روابط شاد و غمناک راوی در دوران دانشجویی سرک می‌کشیم. این رمان که از دید اول شخص تعریف می‌شود، داستانی است که زن جوان را در مواجهه با جامعه، دوستان، همفکران و همکاران قرار می‌دهد. سارا سالار داستان را با شجاعت و با کم‌ترین پرده‌پوشی تعریف می‌کند. از این رو «احتمالا گم شده‌ام» از آثار قابل توجه دهه هشتاد خورشیدی است.

«هست یا نیست؟» دومین رمان سارا سالار در ابتدای دهه نهم خورشیدی است. در این اثر نیز مجدد دغدغه‌های زن میان سال را در پیش‌رو داریم. این بار راوی داستان در آستانه چهل‌سالگی است همراه با تردیدهای بیشمارش درباره هویت‌اش، کمال‌گرایی‌اش، ارتباط عاطفی‌اش و زندگی‌اش در ابرشهر تهران. در اثنا خبر بیماری مادر بزرگ پیرش «نقره» او را به زادگاهش برمی‌گرداند و فرصتی به دست می‌دهد که درباره کودکی و گذشته‌ی دورش نیز بیاندیشد. راوی داستان در برهه‌ای به فکر قضاوت دیگران است، در برهه‌ای دیگر به عشق و جاودانگی فکر می‌کند و در نهایت به فکر بچه دار شدن است که آیا بتواند به زندگی‌اش معنا ببخشد یا خیر.

روایت هر دو داستان صمیمی، همراه با درونگرایی و گفت‌وگوهای درونی است. روایت داستان همراه صداقت آمیخته با شجاعت است. هر دو اثر را نشر چشمه به طبع رسانده است.



اطلاعات کتابشناختی:

نام کتب: «احتمالا گم شده‌ام» و «هست یا نیست؟»
نویسنده: سارا سالار
انتشارات: چشمه





اسکن کنید و
از وبگاه کتابخانه
بازدید نمایید



«نفوس مرده»



فرهنگ معاصر

مرده

تیکلای واسیلیوویچ گوگول
ترجمه کاظم انصاری

این رمان برجسته و شاهکار ادبیات روس، آینه‌ای است تمام‌نما از زندگی اجتماعی اقتصادی روسیه در قرن نوزدهم. این کتاب در سال ۱۸۴۲ به چاپ رسیده است.

شخصیت اصلی داستان پاول ایوانوویچ چیچیکوف است که با مراجعه به اربابان و ملاکین در پی خرید رعیت‌های مرده آن‌ها است!

ایده‌ای عجیب! چرا چیچیکوف قصد دارد اسامی رعیت‌های مرده‌ای که هنوز سند هویت آن‌ها باطل نشده است را خریداری کند و خود را به ارباب مرده‌ها تبدیل کند. در این مورد گوگول سرنخی نمی‌دهد تا انتهای داستان.

گوگول این ایده چیچیکوف را دستمایه تعریف داستانی قرار می‌دهد که در لایه زیرین آن قصد دارد به جامعه روسیه بپردازد. چیچیکوف نماد فرصت طلبی است، در گفتگویی در داستان اذعان می‌کند که «همواره احترام به مافوق واجب است. چرا؟ برای پیشرفت و بالارفتن از نردبان موفقیت».

گوگول جامعه روسیه را به نقد می‌کشد و خرافات، منفعت طلبی، دروغ و ریای گسترده در آن را به سخره می‌گیرد. در جای جای کتاب مقایسه‌ای بین اروپای مرکزی و روسیه در خلال گفتگوها رخ می‌دهد.

داستان پردازی نفوس مرده در مواجهه چیچیکوف با ملاکان و تلاش برای قانع کردن آن‌ها برای فروش نفوس مرده رخ می‌دهد. داستانی همراه طنز و دینامیک بالا که رمان را بس خواندنی کرده است و پایان داستان، نوری بر ایده منفعت طلبانه چیچیکوف می‌تاباند.

جالب است که در کتاب تجربه مدرنیته مارشال برمن، نویسنده اشاره ای به گوگول دارد که چگونه توسعه نیافتگی و مدرنیزاسیون روسیه را نقد کرده است. نفوس مرده آینه تمام نمای این برداشت برمن است.

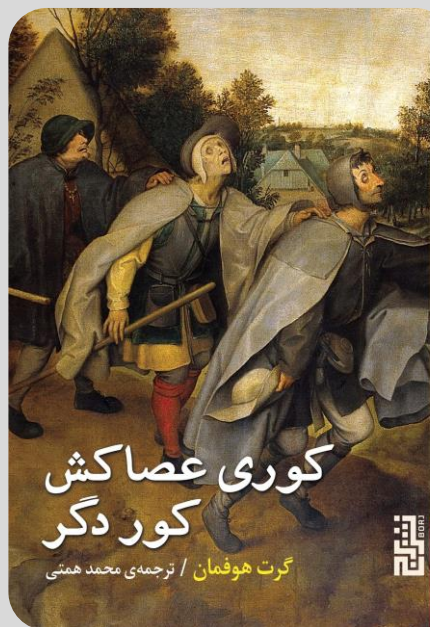




سفارش کتاب

Lib_sefareshat
@sharif.ir

۶۶۱۶۵۱۰۵



گرت هوفمان نویسنده نمایش نامه‌های رادیویی و رمان‌نویس سده بیستم و استاد ادبیات آلمانی است. هوفمان در این رمان کوتاه به داستان خیالی پردازش و نقاشی شش نابینا در تابلوی نقاشی «تمثیل کوران»* از نقاش شهیر دوره رنسانس رفته است. پتر بروگل (بروخل) مهتر نقاش هلندی خالق این اثر پرجزئیات و خاص است!

هوفمان در این رمانک به روایت داستان شش نابینا می‌پردازد که به سفارش نقاش، که در رمان نامی از او برده نمی‌شود، از روستای نزدیک به نزد او آورده می‌شوند. داستان از زبان اول شخص جمع** تعریف می‌شود و گویی این شش نفر واحد یکسانی را شکل می‌دهند که با نابینایی‌شان تاریکی دنیا را نمادین به تصویر می‌کشند.

در این مسیر این شش سوژه نقاشی دچار دردسرهای فراوان می‌شوند. سگی به آن‌ها حمله می‌کند و طعمه حریق می‌شوند و کم مانده که زندگی‌اشان را از دست بدهند. صحنه پایانی داستان به مقصد رسیدن نابینایان و تصویرسازی بروگل است که چگونه در یک ردیف کوران را پشت سرهم قرار می‌دهد تا راه بروند و به زمین بیافتند و او نقاشی کند.

این اثر هم در نقاشی و هم در رمان اشاره ای به آیه‌ای از انجیل متی دارد «ایشان را وانهید: اینان کورانی هستند که عصاکش کوران دگر شده اند! باری، اگر کوری عصاکش کور دگر شود، هر دو به گودال فرومی افتند». «ترجمه پیروز سیار» این اشاره گویی بار دهشت قرون میانی اروپا را بر خود دارد. کلیسای کاتولیک «سنت آنا»ی شهر «دیلنک» در بلژیک کنونی اشاره ای است به آتش افروزی‌های مسیحیان در تقابل کاتولیسیم و پروتستانیسیم. نادانی و جهل و قساوت استعاره‌ای به کوران در پی کوران!

کتاب هوفمان که همراه با طنز و تلخی است به روایت مترجم و برگرفته از دیدگاه پسر نویسنده «در انتظار گودو» ی دیگر است در زمانه ما که هم آغازش و هم پایانش تاریک است و ملال آور.

*The Blind Leading the Blind, or The Parable of the Blind
(Dutch: De parabel der blinden)

**we form



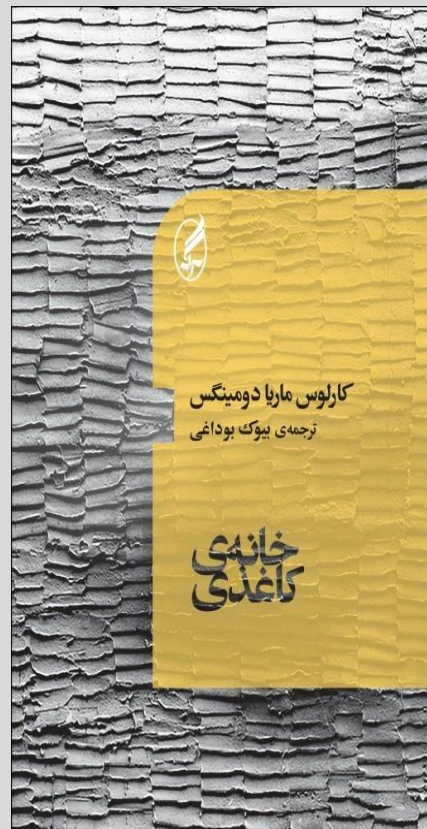


اسکن کنید و
عضو کتابخانه شوید



کارلوس ماریا دومینگس نویسنده آرژانتینی هفتاد ساله ساکن پایتخت اروگوئه مونته ویدئو در رمانک خانه کاغذی فضای خاص، پیچیده و سرشار از عشق و علاقه به کتاب را رقم زده است. داستان با «بلوما لنون» بانوی استاد ادبیات دانشگاه کمبریج شروع می‌شود که روزی «نسخه قدیمی اشعار امیلی دیکنسون را خریده و تازه به قرائت شعر دوم رسیده بود که در نبش اولین خیابان ماشین او را زیر گرفت».

کتاب سرنوشت انسان‌ها را دگرگون می‌کند. پس از درگذشت بلوم، راوی داستان جایگزین او در کمبریج می‌شود. روزی بسته‌ای با تمبر کشور اروگوئه به دست راوی می‌رسد که در آن کتابی است عجیب که داستان نویسنده‌ای دیگر را جلوی چشم خواننده می‌گستراند...



سپس رمان در جستجوی زندگی گذشته «کارلوس براونر» عاشق و کلکسیونر کتاب می‌رود. فردی که با عشق و علاقه کتاب می‌خرد، آن‌ها را فهرست و رده‌بندی می‌کرد و سرانجام به فکر ساختن خانه‌ای از کتاب‌ها افتاد...

رمانک مملو از نام‌های بزرگ و رمان‌های درخشان است. کتاب بلافاصله با نام‌های جوزف کنراد، ایشالوم ایشالوم فالکنر، سیدارتای هسه، برادران کارامازوف شروع می‌شود و درمیانه داستان با تصویری از براونر وقتی برای ساخت خانه کاغذی «کتابی از بورخس را زیر دیوار پنجره می‌گذاشت و از سزار بایخو کتابی کنار در، از کافکا روی آن، از کانت برای دیوار کنار، و بغل آن گالینگور در سرزمینی دیگر همینگوی را؛ در جایی از کورتاسار و در جایی کتابی ضخیم از بارگاس یوسا؛ بایه اینکلان روی ارسطو، کامو روی موروسولی، و شکسپیر که با ملاط تقدیر به مارلو می‌چسبید».

این کتاب تراژیک فشرده و مملو از ادبیات! بس خواندنی است که با نشر آگه با ترجمه ییوک بوداگی به فارسی به طبع رسیده است و در یک نشست به سرانجام می‌رسد.





تماس با همکاران کتابخانه



من او داستان عاشقانه فرزند یکی از خانواده‌های اصیل و قدیمی تهران در دهه ۱۳۱۰-۱۳۲۰ خورشیدی است. داستان درباره‌ی علی فتاح از خانواده‌ای ثروتمند و متمول و در عین حال مذهبی است که به مهتاب دختر خدمتکار خانواده‌شان دل می‌بازد.

من او نوشته رضا امیرخانی است. تم اصلی اثر قصه‌ی عشق علی و مهتاب است که با سیاست و عرفان نیز در هم می‌آمیزد. نکته مهم اینجاست که نگاه شخصیت اول داستان و فردی که او را تربیت کرده است، به دلیل نگاه اخلاقی امیرخانی، بسیار انسانی است. امیرخانی باز هم نشان می‌دهد که ارزش انسان چه ثروتمند مثل خانواده فتاح و چه مانند خانواده اسکندر از نظر سطح مالی نسبتاً ضعیف، انسانیت اوست و نه میزان دارایی او و امیرخانی این را نه در کلمات و عبارات مستقیم، بلکه در رفتار معتقد است و روال خانواده فتاح به خواننده منتقل می‌شود.

اما شاید مهم ترین قسمت داستان، رابطه شخصیت اول، علی فتاح، و درویشی به نام مصطفی باشد. درویشی که مظهر حقیقت و آگاهی و معرفت است، در عین اعتقاد به دین (مداوم ذکر او یا به یاری علی) بر اخلاق تأکید می‌کند و به عنوان معلم در طول داستان به علی عبرت می‌دهد. نکته ای که در اینجا به ذهن متبادر می شود این است که نویسنده از نظر روحی جامعه را مورد نقد قرار می‌دهد و معتقد است آنچه در خانواده ایرانی (که شاید بهترین آنها شبیه خانواده فتاح باشد) و به ویژه مدرسه و فضای بیرون آنچنان که باید، نتوانسته است فرزندانش را تربیت معنوی کند. همانطور که این نقش در داستان من بر عهدۀ یک صوفی و درویشی است که به گونه ای مرده‌اند که در چارچوب اجتماعی جامعه امروزی نمی گنجد. نویسنده علاوه بر پاکی درویش، بر علم او تأکید می‌کند و با استفاده از این دانش، علی فتاح را هر چه بیشتر به معنویت که به نظر می رسد استعداد اوست؛ می رساند.





((...))

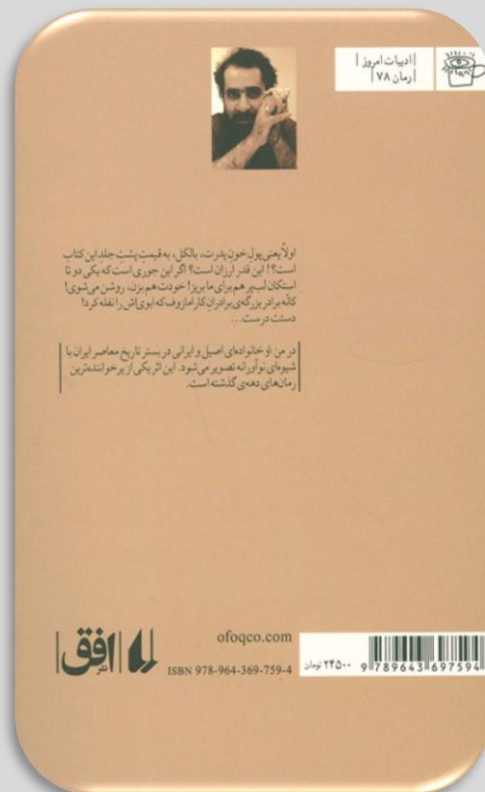
اسکن کنید و
به تلگرام کتابخانه
بپیوندید



گفتنی است داستان او در حالی که موضوع اصلی آن عشق است، بدون اینکه بخواهد داستان را قطع کند، در طول داستان به موضوعات دیگری می پردازد. به عنوان مثال، با توجه به اینکه آغاز داستان در زمان رضاشاه پهلوی می گذرد، وی از سیاست افشای حجاب و چالشی که در این میان خانواده های مذهبی با آن روبه رو هستند، انتقاد می کند و نکته جالب این است که شخصیت های داستان برای حفظ امنیت به دلیل چنین چالش هایی، به کشوری غربی یعنی فرانسه مهاجرت می کنند.

موضوع دیگری که نویسنده در طول داستان مطرح می کند، ماجرای برخورد علی فتاح با انقلابیون جنبش استقلال الجزایر است. در اینجا به نظر می رسد نویسنده سعی دارد نشان دهد که پایان یک دیکتاتوری - چه از نوع الجزایری اش و چه از نوع پهلوی و ایرانی آن - محکوم به شکست و فروپاشی است (اگرچه جنبش استقلال الجزایر سرانجام در سال ۱۹۶۲ در برابر استعمار فرانسه پیروز شد).

نویسنده همچنین مضمون رمانتیک خود را به سبک عشق اسطوره ای به پایان می رساند.



«تا ابد با تو می مانم»



تمدید و رزرو کتاب



«تا ابد با تو می مانم» نوشته مریم عرفانیان، خاطره ای در ژانر دفاع مقدس است که به جزییات سفر احساسی نویسنده، همسر یک فرمانده جنگ، هنگام اعزام معشوقش به نبرد می پردازد. این کتاب ۲۷۴ صفحه ای دارای روایت اول شخص و سبک ادبیات شفاهی است که قدرت زنی را به نمایش می گذارد که عشق دنیوی او مکمل فداکاری معنوی اوست.

این داستان جاودانه عشق واقعی مریم عرفانیان و همسرش، اکبر نجاتی، یک فرمانده دوران جنگ را در ۲۶ فصل روایت می کند که فصل آخر آن از طریق عکس ارائه شده است.

این روایت به بررسی عشق پایدار بین مریم و اکبر می پردازد و نشان می دهد که عشق واقعی به فداکاری نیاز دارد، به ویژه در میان چالش های جنگ. مریم مظهر قدرت و انعطاف است. ارتباط معنوی عمیق او بر این نکته تأکید می کند که چگونه ایمان می تواند در مواقع دشوار، آرامش و قدرت را فراهم کند. پویایی خانواده و تأثیر جنگ بر روابط، موضوعات اصلی هستند که فشارها و نقش های حمایتی را در خانواده در طول درگیری برجسته می کنند. این کتاب همچنین نقش های اغلب نادیده گرفته شده زنان در زمان جنگ را روشن می کند و مریم را به عنوان شخصیتی حیاتی هم در زندگی همسرش و هم در زمینه جنگ به تصویر می کشد.





((...))

آشنایی با حامیان کتابخانه



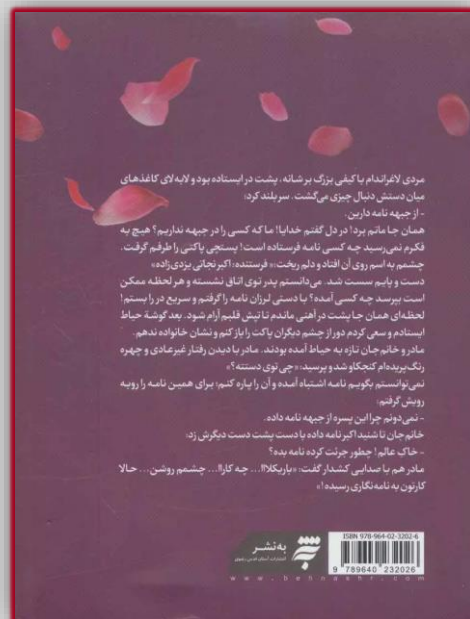
این خاطرات، تأثیر جنگ بر زندگی آنها و احساسات مریم را در هنگام رفتن شوهرش به نبرد منعکس می کند و مبارزات عاطفی همسر یک سرباز را از طریق حکایت های شخصی عشق، از دست دادن و انعطاف پذیری به تصویر می کشد. در نهایت، نویسنده بینش هایی را در مورد زندگی پس از جنگ به اشتراک می گذارد و نشان می دهد که چگونه خاطرات، وجود او و پیوند پایدار او با اکبر نجاتی را شکل می دهد.

در فصول پایانی که مریم به زندگی پس از جنگ می پردازد، روایت به سمت شفا و یادآوری سوق پیدا می کند. او به این فکر می کند که چگونه خاطرات همسرش و تجربیات مشترک آنها هویت او را شکل می دهد و همچنان بر سفر زندگی او تأثیر می گذارد.

عکس های گنجانده شده به عنوان یادآوری بصری قدرتمندی از عشق آنها عمل می کنند، لحظاتی را در بر می گیرند که از زمان فراتر می روند و ماهیت پایدار تعهد آنها به یکدیگر را بازتاب می دهند.

این اثر، در نهایت یادآور فداکاری هایی است که در طول جنگ انجام شده است، نه فقط در میدان جنگ، بلکه در قلب و خانه های کسانی که پشت سر گذاشته شده اند.

خاطرات مریم عرفانیان خوانندگان را دعوت می کند تا شاهد تأثیر متقابل عمیق عشق، ایمان و انعطاف باشند و روایتی را ارائه می دهد که هم عمیقاً شخصی و هم قابل ربط جهانی است. او از طریق نثر شیوا خود، میراث شوهرش و افراد بی شماری را که برای کشورشان جنگیده اند، ارج می نهد و در عین حال روح تسلیم ناپذیری را که در عشق، حتی در مواجهه با ناملایمات استوار می ایستند، تجلیل می کند.



مردی لاغر اندام با کیفی بزرگ بر شانه، پشت در ایستاده بود و لایه لای کاغذهای
میان دستانش دنبال چیزی می گشت. سر بلند کرد.

- از چیه نامه داری.

همان جا مایم بردا در دل گفت: خدایا! ما که کسی را در چیه نداریم؟ هیچ به
فکرم نمی رسد. چه کسی نامه فرستاده است؟ بستنی پاکتی را طعم گرفت.

چشمش به اسم روی آن افتاد و دلم ریخت، فرستنده: اکبر نجفانی بزرگ زاده.

دست و پا می بست شد. می دانستم پدر نوی اتانی نشسته و هر لحظه ممکن
است بپرسد چه کسی آمده؟ یا دستی لوزان نامه را گرفته و سریع درآسمان

لحظه ای همان جابجایی در اهنگی ماندم ناآتش فزیم آرام شود. بعد گوشه حیاط
ایستادم و سعی کردم دور از چشم دیگران پاکت را باز کنم و نشان خانواده ندهم.

مادر و خاتم جان تازه به حیاط آمده بودند. مادر با دیدن رفتار غیرعادی و چهره
رنگ بریده ام کجکاو شد و پرسید: «چی نوی دستته؟»

نمی توانستم بگویم نامه اشتباه آمده و آن را باز کنم؛ برای همین نامه را رویه
رویش گرفتم.

- نمی دونم چرا این سوره از چیه نامه داده.
خاتم جان تا شنید اکبر نامه داده با دست پشت دست دیگرش زد.

- خاک عالم! چطور جرئت کرده نامه بده؟
مادر هم با صدایی کشدار گفت: «پارکلا!... چه کاره... چشمش روشن... حالا
کارون به نامه نگاری رسیده!»





«توران میرهادی، استاد برجسته آموزش و پرورش»

گردآورنده: دکتر ترانه اقلیدس (دانشیار پژوهشکده الکترونیک)



توران میرهادی، استاد برجسته ادبیات کودکان و متخصص تعلیم و تربیت، در سال ۱۳۰۶ خورشیدی در شمیران به دنیا آمد. پدر او، سید فضل‌الله، اهل تفرش بود و مادرش، گرتا دتیریش، آلمانی‌تبار بود. توران، چهارمین فرزند خانواده، یک خواهر و سه برادر به نام‌های ایران، فریدون، رستم و فرهاد داشت. پدرش از دانشجویان اعزامی به خارج از کشور بود که در رشته مهندسی ماشین‌آلات و راه و ساختمان از آلمان فارغ‌التحصیل شده بود. او در دوره رضاشاه یکی از مهندسان برجسته ایران به شمار می‌رفت. مادرش، فارغ‌التحصیل رشته آموزش هنر از دانشگاه مونیخ، در نقاشی و مجسمه‌سازی مهارت داشت و نقشی مؤثر در تربیت هنری فرزندانش ایفا می‌کرد [۱]، [۲]. گرتا، با وجود داشتن ملیت آلمانی، فرزندان خود را ایرانی پرورش داد. آنها در مدارس ایرانی تحصیل کردند و زبان رایج در خانه، فارسی بود. اگرچه مادر بر این باور بود که باید فرزندان چند زبان دیگر را نیز بیاموزند، چرا که هر زبان را دروازه‌ای به سوی فرهنگ‌های دیگر می‌دید [۱]. بدین‌سان، علاوه بر زبان فارسی، سه زبان اروپایی را به خوبی آموخت. همچنین، مقدمات موسیقی و نقاشی را نیز در همان دوران تحصیل فراگرفت.

پس از پایان تحصیلات دوره دبیرستان در سال ۱۳۲۴، او به دلیل علاقه‌مندی به رشته زیست‌شناسی، در همین سال در رشته زیست‌شناسی در دانشکده علوم دانشگاه تهران پذیرفته شد و در این رشته ثبت نام کرد [۳]. در همین دوره، با جبار باغچه‌بان، که طرح سوادآموزی بزرگ‌سالان را پیش می‌برد، آشنا شد. با حضور در کلاس‌های درس جبار باغچه‌بان به اهمیت آموزش سواد پایه به بزرگ‌سالان پی برد. علاوه بر این، او به صورت آزاد در کلاس‌های درس محمداقبر هوشیار در علوم تربیتی و اصول آموزش و پرورش در دانشکده ادبیات شرکت می‌کرد. تجربیاتی که از شرکت در کلاس‌های درس این دو استاد بزرگ به‌دست آورد، مسیر زندگی او را به سمت آموزش در زمینه علوم تربیتی و روان‌شناسی تغییر داد. بدین منظور، از تحصیل در رشته زیست‌شناسی انصراف داد و تصمیم گرفت برای ادامه تحصیل در رشته علوم تربیتی و روان‌شناسی به اروپا سفر کند. ابتدا عزم سفر به سوئد را داشت، اما سرانجام در پاییز ۱۳۲۵ پاریس را برای اقامت تحصیلی انتخاب کرد. توران در فرانسه بود، که خبر تصادف و فوت برادر کوچکترش، فرهاد، به او رسید. او می‌دانست که هرگز برادر عزیزش را نخواهد دید و می‌رفت که سیاهی غم بر زندگی‌اش سایه افکند. اما پدر و مادر درسی بزرگ برای چنین زمان‌هایی به فرزندان خود آموخته بودند.





((...))

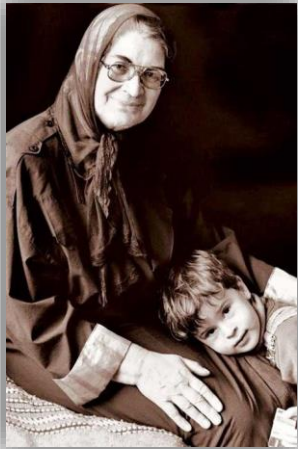
او می‌دانست که چگونه از غم بزرگ اترژی بگیرد و آن را به کاری بزرگ تبدیل کند. ایده تأسیس مدرسه‌ای به نام فرهاد از آن زمان به تدریج در وی شکل گرفت. برای او فرهاد تنها یک برادر نبود، بلکه دین بزرگی بود که نسبت به مادر و همه فرزندان این آب و خاک داشت [۳].

توران میرهادی پس از فراغت از تحصیل در زمستان ۱۳۳۰ از فرانسه به ایران بازگشت. فضای ایران پس از پایان جنگ جهانی دوم برای فعالیت‌های فرهنگی مناسب نبود. او نخست کار خود را در کودکانستان بهار آغاز کرد و پس از مدتی به دبیرستان نوربخش، جایی که خود در آن تحصیل کرده بود، رفت. اما این کارها او را راضی نمی‌کرد. فعالیت اصلی او از سال ۱۳۳۴ با تأسیس کودکانستان فرهاد آغاز شد. پدر و مادرش در این مسیر از او حمایت کردند. پدر خانه‌ای خالی را برای محل کودکانستان در اختیارش قرار داد و آن را با وسایل اولیه آموزشی مانند میز، نیمکت و دیگر ملزومات تجهیز کرد، و مادرش پروانه فعالیت کودکانستان را گرفت. محل این کودکانستان در خیابان ژاله تهران واقع بود. دیری نپایید که روش کار خانم میرهادی با استقبال اولیای دانش‌آموزان روبرو شد و این استقبال انگیزه‌ای شد تا وی دبستانی را نیز در کنار کودکانستان راه‌اندازی کند. بدین ترتیب، در سال ۱۳۳۶ دبستان فرهاد تأسیس شد.



کمبوده‌هایی مانند کتابخانه، آزمایشگاه، وسایل ورزشی و سایر نیازهای ضروری مدرسه با کمک‌های دیگران تأمین می‌شد. از این دوره به بعد، همسر ایشان، آقای محسن خمارلو، همکار و همراه همیشگی او در اداره کودکانستان و دبستان شد. همچنین، مدرسه راهنمایی فرهاد نیز از سال ۱۳۵۰ آغاز به کار کرد. از سال ۱۳۵۶، این مجتمع آموزشی با بیش از ۱۲۰۰ دانش‌آموز در ساختمانی وسیع در خیابان سهروردی تهران به فعالیت خود ادامه داد. در بیشتر سال‌های دهه ۴۰ و ۵۰، مدرسه فرهاد به واحد تجربی تعلیمات عمومی تبدیل شد و دیدگاه‌های پیشرفته آموزش و پرورش نخست در این مجتمع مورد بررسی و آزمایش قرار می‌گرفت. در صورتی که این دیدگاه‌ها اعتبار لازم را کسب می‌کردند، در نظام آموزش و پرورش کشور به اجرا در می‌آمدند.

این مدرسه با اندوختن تجارب ارزنده در زمینه آموزش و پرورش به نهادهای دیگر نیز کمک می‌کرد [۳].





((...))



«مدرسه فرهاد»

رسالت مدرسه فرهاد [۴]، یافتن روش‌های تربیتی برای ایجاد تحول در انسان‌ها بود. بدین منظور، جمعی از مربیان کودکستان، آموزگاران دبستان و مدرسه راهنمایی فرهاد طی ۲۵ سال عمر پربار این مجتمع آموزشی (۱۳۵۹-۱۳۳۴) تحت مدیریت توران میرهادی در جهت نیل به این هدف تلاش کردند. آنان روش‌هایی را یافتند و آزمودند که به هر کودک و نوجوان آزادی و اختیار را می‌داد تا خودش باشد، توانایی‌ها و استعدادهای خود را پرورش دهد، نگرش انسانی داشته باشد و از پذیرش کارهای تحمیلی و دستوری خودداری کند. تأکید بیشتر بر استقلال دانش‌آموزان در تصمیم‌گیری درباره هر موضوع با آگاهی و شناخت لازم، همکاری و همیاری با یکدیگر، پذیرش مسئولیت، احساس مسئولیت نسبت به یکدیگر، پرهیز از رقابت و شناخت دنیای پیرامون و مسائل آن استوار بود.

آنتوان ماکارنکو، از بنیان‌گذاران تعلیم و تربیت، در یکی از آثار خود بیان می‌دارد که مشکل اصلی آموزش و پرورش، نه تربیت نابغه‌ها و نه رسیدگی به کودکان عقب‌مانده، بلکه تربیت افراد متوسط است. به باور او، اگر نظام آموزشی بتواند مسائل افراد متوسط را حل کند، آنگاه می‌توان آن را نظامی پیشرفته و سازنده دانست. این نظریه برای توران میرهادی نیز جالب توجه بود [۴]. او در طول سال‌ها تلاش می‌کرد تا روش‌های مؤثر برای پیشرفت دانش‌آموزان متوسط را پیدا کند، زیرا تحول واقعی جوامع در دست آنان است. نخستین گام در این مسیر، مطرح کردن مسائل و ایجاد فرصت‌های مناسب برای آن‌ها در مدرسه بود. معلمان با درک این موضوع، به تدریج به روش‌های گروهی برای آموزش روی آوردند تا دانش‌آموزان با استعداد در گروه‌ها به رقابت پرداخته و هم‌زمان در فرآیندهای آموزشی مشارکت کنند. این رویکرد، نه تنها به رشد فردی دانش‌آموزان متوسط کمک می‌کرد، بلکه

زمینه‌ای برای تقویت همکاری و هم‌افزایی در گروه‌های آموزشی فراهم

می‌آورد.





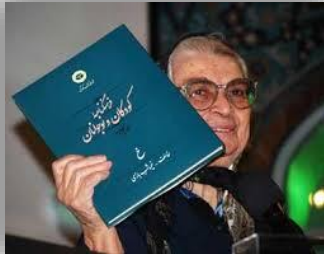
((...))

تجربه کلاس‌بندی دانش‌آموزان بر اساس استعدادهایشان به قوی، متوسط و ضعیف در مدرسه فراهم نشان داد که این تقسیم‌بندی در هر سه گروه باعث سکون می‌شود. در کلاس دانش‌آموزان دیرآموز، وقتی معلم مسئله‌ای را مطرح می‌کند و هیچ‌کس آن را نمی‌فهمد، این ناتوانی به امری عادی تبدیل می‌شود: "هیچ‌کس مسئله را نفهمیده است، پس طبیعی است که من هم نفهمم." اما در کلاس‌های مختلط از دانش‌آموزان با استعدادهای مختلف، دانش‌آموزان تلاش می‌کنند تا مسئله را درک کنند، چرا که می‌بینند برخی توانسته‌اند آن را بفهمند و خود را قادر به درک آن می‌بینند. این فرآیند باعث می‌شود دانش‌آموز تصور مثبتی از توانایی‌های خود بسازد، نه ناتوانی‌هایش. به این ترتیب، در محیطی که تنوع استعدادها وجود دارد، انگیزه و تلاش برای یادگیری تقویت می‌شود و هر فرد در مسیری پیشرفت می‌کند که با توانمندی‌هایش هم‌راستا است.



یکی از گروه‌های مؤثر در مدرسه، "گروه‌های هماهنگ" بودند که از دانش‌آموزانی تشکیل می‌شدند که از کودکی با هم بزرگ شده، در طول زمان به‌طور طبیعی متحد و یکپارچه شده بودند. این گروه‌ها در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات مدرسه نقش عمده‌ای داشتند. از سه سالگی تا دوره‌های بالاتر دبستان با هم بودند، برنامه‌ریزی می‌کردند، ایده‌های جدید می‌آوردند و در تربیت خود و معلمان همکاری مؤثری داشتند. معلمان تازه‌کار به این گروه‌ها سپرده می‌شدند تا آنها را با کلاس‌ها و شیوه‌های تدریس آشنا کنند. این گروه‌ها نقش سازنده‌ای داشتند و پس از ترک مدرسه نیز همچنان با هم باقی ماندند و دوستان همیشگی شدند. این پیوندها و همبستگی‌ها، علاوه بر تقویت روابط اجتماعی دانش‌آموزان، زمینه‌ای برای ایجاد حس مسئولیت‌پذیری، همکاری و احترام متقابل در آنان فراهم می‌آورد.

در مدرسه فرهاد، توجه ویژه‌ای به تعلیم و تربیت مختلط در مقاطع کودکستان و دبستان شده بود. توران میرهادی بر این باور بود که هم‌زیستی دختران و پسران تا ۱۱ سالگی از ضروریات تربیتی است، اما در مقاطع بالاتر، جداسازی مدارس دخترانه و پسرانه سازندگی بیشتری دارد. پسرها در دبستان صریح و گاهی خشن هستند، در حالی که دخترها آرام و مقید به ظاهرند و احساسات خود را پنهان می‌کنند. این دو گروه وقتی کنار هم قرار می‌گیرند، تعادل مطلوبی ایجاد می‌کنند.





((...))

دخترها صادق‌تر می‌شوند و پسرها خوددارتر. پسرها جستجوگری علمی را تقویت می‌کنند و دخترها نظم و ترتیب را برقرار می‌کنند. این تعامل به محیطی خانوادگی در مدرسه تبدیل می‌شود که هیچ مرز تصنعی بین دختر و پسر نمی‌گذارد. بچه‌ها در کنار هم رشد می‌کنند، یکدیگر را می‌شناسند و از هم می‌آموزند. این نوع تعامل، گروه متوسط را به حرکت در می‌آورد و مدرسه را از رکود نجات می‌دهد. به این ترتیب، همکاری دخترها و پسرها به شکوفایی استعدادها، پیشرفت دانش‌آموزان دیرآموز، کودکان معلول و گروه‌های هماهنگ کمک می‌کند و مدرسه را همیشه در حال حرکت و تکاپو نگه می‌دارد.



«خودسازی»

منظور از خودسازی، به‌دست آوردن آگاهی نسبت به خصلت‌های والای انسانی، شناخت جنبه‌های مختلف آن و ایجاد انگیزه برای رشد این خصلت‌هاست. در واقع، خودسازی به پرورش ویژگی‌های انسانی در وجود خود فرد اطلاق می‌شود که همواره بخش بزرگی از کار تربیتی بوده و هست. هدف خودسازی باید متعالی و در جهت آرمان‌های انسانی باشد، نه در جهت آرمان‌های جامعه مصرفی، تا فرد را در مسیر تکامل واقعی قرار دهد [۴]. مدرسه فرهاد در جهت رسیدن به این هدف، برنامه‌ای تحت عنوان "برنامه قهرمانی" را در مدرسه اجرا می‌کرد [۴].



یکی از معلمان سالخورده مدرسه، خانم سلغری، همیشه می‌گفت: "ما باید کاری کنیم که موتور داخلی بچه‌ها به حرکت در بیاید." این موتور داخلی از نظر او ایمان به خدا و عشق به خدمت بود. او معتقد بود که ایمان قوی فرد را در برابر مشکلات استوار نگه می‌دارد و عشق و ایثار، حرکت او را دائمی می‌کند. توران میرهادی و همکارانش دریافتند که با ایجاد انگیزه برای قهرمان انسانیت شدن، می‌توان موتور درونی بچه‌ها را در مسیر خودسازی به حرکت درآورد. سپس به این فکر کردند که چه ویژگی‌هایی باید در یک کودک ده‌ساله باشد تا او را قهرمان نامید. پس از مدتی بحث و مطالعه سنت‌های دینی و اخلاقی ایران و بررسی ضعف‌ها و قوت‌های کودکان، به دوازده صفت رسیدیم که شامل شش خصلت و شش عادت بود.





((...))

خصلت‌ها عبارت بودند از پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک، راستگویی و درستکاری، شجاعت، همکاری و نعدوستی. عادت‌ها شامل حفظ سلامت بدن، نظم، پاکیزگی در زندگی و کار، دقت در تمام کارها، استقلال در کار و فکر، و رعایت احترام نسبت به همه بودند. در مجموع، این صفات و عادت‌ها ویژگی‌های فردی با ایمان و اجتماعی را شکل می‌دهند.

بدین ترتیب، دانش‌آموزی که شش کارت برای خصلت‌ها و شش کارت برای عادت‌ها داشت، قهرمان دبستان فرهاد شناخته می‌شد. همه می‌توانستند قهرمان باشند و هر دانش‌آموز تنها با خود و پیشرفت خود مقایسه می‌شد، نه با دیگران. اجرای طرح قهرمانی یا خودسازی در مدرسه کاری مداوم و دشوار بود.

در ابتدا، معلم هر صفت را در کلاس مطرح و درباره‌اش توضیح می‌داد. برای کمک به معلم، جزوه‌ای منتشر کرده و تابلویی در مدرسه نصب شده بود، که هر صفت را توضیح می‌داد. سپس در جلسات جمعی، توضیحاتی همراه با نمونه‌هایی از مسائل روز ارائه می‌شد و در شوراهای دانش‌آموزی درباره آن‌ها بحث می‌شد. نتیجه این بحث‌ها همراه با جزوه توضیحی به جلسات اولیا برده می‌شد تا خانواده‌ها نیز در این امر با مدرسه همکاری کنند.

گاهی ممکن بود دانش‌آموزی کارتی بگیرد ولی برای حفظ آن تلاش نکند. در این صورت، کارت او موقتاً باطل می‌شد. پس از اتمام ارزیابی، کارت‌ها صادر و طی مراسمی در کلاس یا سر صف به دانش‌آموزان اعطا می‌شد. تجربه نشان داده بود که در سال‌های آخر دبستان، دانش‌آموزان معمولاً می‌توانستند دوازده کارت را به‌دست آورده و به مقام قهرمانی برسند.

مطالعات بعدی نشان داد که حتی اگر دانش‌آموزان به مقام قهرمانی نمی‌رسیدند، تعدادی از خصلت‌های اصیل انسانی را شناخته و این شناخت، راه‌گشای آن‌ها در جهت خودسازی بود. پس از انتخاب قهرمان‌ها، آن‌ها به شاگردان و اولیای آنان معرفی شده و گواهی‌نامه قهرمانی دریافت می‌کردند که در بالای آن این مصرع از سعدی شیرازی نوشته شده بود: "تن آدمی شریف است به جان آدمیت".

رسیدن به مقام قهرمانی تنها جنبه معنوی داشت و با جایزه مادی همراه نبود. هرچند درک این مفهوم برای کودکان دشوار بود، اما در طول زمان آن را فهمیدند و رسیدن به قهرمانی برایشان اهمیت پیدا کرد. در سال‌های آخر، برای خودسازی تلاش زیادی کردند.

آموزه‌های فراوانی از مدرسه فرهاد در دل نهفته است که بیان تمام آن‌ها در این مقال نمی‌گنجد. سخن را با هفت آرزو و هفت وصیت به قلم معلم انسانیت و اقیانوس عشق، توران میرهادی، به تمام فرزندان ایران زمین به پایان می‌رسانم.





((...))

یک

تبدیل کار تربیتی به عشق، به فضای محبت و احترام. فضایی که کودکان با عشق بزرگ شوند، رشد کنند، توانایی‌هایشان شکوفا شود و بیش از هر چیز احساس امنیت کنند.

دو

برداشتن رقابت به هر شکل از محیط تربیتی. رقابت ویرانگر است. معنا و مفهوم هر کار را دگرگون و تخریب می‌کند. برتر، بهتر، ترها و ترین‌ها وجود خارجی ندارند. فریب رقابت را نباید خورد.

سه

جایگزین کردن مشارکت در همه کارها و در همه سطوح. در خانواده، در مهد کودک، در جامعه کوچک، در جامعه بزرگ. لذت کار دسته جمعی سازنده است، توان و اعتماد، دوستی و محبت به وجود می‌آورد.

چهار

پرهیز از هرگونه داوری درباره کودکان در حال رشد. ضعف و پیشرفت، خوب و متوسط برای کودکان مفهومی ندارد. برای آنها پرونده نسازیم. در تعامل مداوم، امکانات رشد را فراهم کنیم.

پنج

پرهیز از دام‌های تکنولوژی و تبلیغات. فناوری تجارتی سودآور شده است و دامی تازه برای مصرف‌گرایی از راه تبلیغات است. گاه احساس آقایی تکنولوژی بر انسان را داریم. انسانی که هوش، ذکاوت، اندیشه و توانایی‌های خود را در اختیار هدف‌های مجازی می‌گذارد.

شش

پرهیز از گذاشتن بار سنگین بر دوش کودکان. کار ما ایجاد فرصت‌ها و آزاد گذاشتن کودکان است. پیش افتادن و عقب ماندنی مطرح نیست. آموزش زبان و فناوری‌های الکترونیکی دیر نمی‌شوند. یاد گرفتن چند عبارت یا زدن چند دکمه، آموزش نیست. نوعی فشار بیهوده و گاه بسیار گمراه‌کننده است.





((...))

واسپارگاه شریف



هفت

رفتن به سوی طبیعت و باز هم طبیعت. طبیعت با انسان صادق است. هر لحظه آن اکتشافی است نو. در طبیعت با دنیای خلقت، تنوع بی‌پایان و شگفتی‌های باور نکردنی آن روبه‌رو هستیم. شناختن طبیعت و حفظ آن، شوق‌انگیز، بلکه لازم و حیاتی است.



مراجع

- [۱] توران میرهادی: مادر و خاطرات پنجاه سال زندگی در ایران، به کوشش سیمین ضرابی، شرکت تهیه و نشر فرهنگنامه کودکان و نوجوانان، چاپ سوم، ۱۳۹۸.
- [۲] توران میرهادی: استاد برجسته آموزش و پرورش در ایران، به کوشش شهرداد میرزایی، شرکت تهیه و نشر فرهنگنامه کودکان و نوجوانان، چاپ سوم، ۱۳۹۶.
- [۳] مهسا خسروی، فرزانه عرفانیان: مسائل و راه حل‌های آموزش و پرورش ایران در گفته‌ها و نوشته‌های توران میرهادی، انجمن پژوهش‌های آموزشی پویا.
- [۴] توران میرهادی: جستجو در راه‌ها و روش‌های تربیت، از تجربه‌های مدرسه فرهاد، دفتر نشر چاپ آتلیه، ۱۳۶۲.

همان به که نیکی بود یادگار



دریافت پیشنهاد، انتقاد
و پرسش

library@sharif.ir

F.Reghabi@sharif.ir

۶۶۱۶۵۱۰۱

۶۶۰۰۵۸۱۷



تقدیر از
اهداکنندگان
گرانقدر منابع
خاص، چاپی و
آثار هنری

❖ مجموعه ایبوک‌های تخصصی اهدایی دکتر ناصر سلماسی
(۸۵ عنوان)

❖ مجموعه کتب اهدایی صنایع هواپیماسازی ایران (۸۰
نسخه)

❖ کتب حوزه علوم انسانی اهدایی دکتر علی کازرونی
❖ کتاب «علم عقب ماندگی» تألیف آقای مهندس کورش
مرشد (اهدای ۲۰۰ نسخه به دانشجویان علاقمند و ۵
نسخه به کتابخانه مرکزی توسط مولف و ناشر)

